

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۱۱ مارچ ۲۰۲۵

تهیه، ترتیب و ترجمه: فریده نوری

مصاحبه اخبار لو ماند با یک افغانستان شناس و

متخصص علوم سیاسی (politilogue)

مصاحبه کننده: خبرنگار اخبار *Le Monde*

Jacques Follorou

مصاحبه شونده: *Olivier Roy* افغانستان شناس

تاریخ: ۳ مارچ ۲۰۲۵

مترجم: فریده نوری

این افغانستان شناس می گوید که مسئله زنان سبب سقوط رژیم افغانستان نمی شود.

سوال: طالبان افغان را چه نوع تعریف می کنید؟

جواب: طالبان افغان بنیادگرایان، محافظه کاران و ملی گرایان هستند. اما مهمتر از همه حقوقدان هستند، برای آن ها قوانین اسلامی یا شریعت حل همه مسائل است و دولت، مسئول تطبیق آن است. این ها در بین جنبش های مسلمان دارای مشخصات مختص به خود شان هستند و به دیگر اسلامگرا ها شباهت ندارند، زیرا در نزد آن ها جنبه مسیحایی وجود ندارد. طالبان به مکتب حقوقی حنفی و به جریان سنی دیوبندی که در نیم قاره هند حضور گسترده دارند، وابسته اند. در ابتدا در سال های ۱۹۹۰ در داخل تحریک طالبان دو جریان موجود بود، جریان صوفی (soufisme) و جریان سلفی (salafisme).

سوال: آیا طالبان مبارزان جهاد (dihadistes) اند؟

جواب: این ها از جمله جهادپست هائی نیستند که مفکوره اسلامی خود را صادر کنند. تحریک طالبان یک تعریف کلاسیک از مفکوره جهاد دارند، که شامل است بر اینکه از خاک شان که توسط نا مسلمان ها اشغال شده است، دفاع نمایند. تحریک طالبان افغان هیچ نوع نزدیکی عقیدتی

(idéologique) با القاعده و یا دولت اسلامی (EI)(organisation Etat islamique) ندارند. در شروع ۱۹۹۰، طالبان اعضای القاعده را به چشم مسلمانان می دیدند که آمده اند تا علیه اشغال شوروی جهاد کنند. از طرف دیگر اسامه بن لادن رهبر القاعده فقط در سال ۱۹۹۶ در ولایت ننگرهار که در شمال شرق افغانستان موقعیت دارد، رسید. در آن زمان ولایت ننگرهار هنوز تحت کنترل طالبان نبود.

امروز سازمان القاعده در افغانستان وجود ندارد، اگر یک تعداد از اعضای کدري القاعده همراهی زنان افغان عروسی کرده اند و در بین فامیل های طالبان مدغم شده اند، اجازه هیچ نوع فعالیت برای شان نه در داخل افغانستان و نه در خارج افغانستان داده نشده است، زیرا توسط رهبر فعلی خلاف منافع افغانستان دانسته می شود.

بالاخره دولت اسلامی به همان اندازه که برای غرب تهدید است برای طالبان نیز یک تهدید است، زیرا امروز افغانستان در مرکز فعالیت دولت اسلامی شاخه خراسان قرار دارد که از طریق سرحدات افغانستان - پاکستان و سرحدات آسیای مرکزی عمل می کنند و از همین جاها جنگجویان خود را و بعضاً از طالبانی که همراهی متحدان افغان شان قطع رابطه نموده اند، استخدام می کنند. از هیچ کس پوشیده نیست که کشور های غربی برای مجادله با دولت اسلامی با طالبان همکاری می کنند.

سوال: طالبان از کجا آمده اند؟

جواب: طالبان افغان هستند که اکثراً شان از قوم پشتون می باشند. اکثریت شان از جنوب افغانستان و یک شاخه قوم غلزایی اند که در غزنی و قندهار حضور دارند. والدین شان اطفال شان را برای تنویر و امنیت، آنها را در مدرسه و یا در اکادمی اردو ثبت نام نمودند. در مکاتب دینی نزدیک به طالبان حکم شریعت بر سازمان ها و بر سلسله مراتب قبیله یی جامعه افغان تحمیل می شود. در نتیجه، تحریک طالبان یک تحریک چند قبیله یی را ایجاد کردند که جاگزین ساختار اجتماعی سنتی کشور به سطح ملی شد. ولی به سطح محلی در قریه جات و دهات، طالبان به خوبی می دانند که با تعامل این فرهنگ قبیله یی، چگونه با مردم رفتار کنند.

سوال: چه فرق است بین رژیم طالبان امروز و رژیم طالبان سال های ۱۹۹۶ - ۲۰۰۱؟

جواب: گفته می توانیم که عین چیز هستند و باز می بینیم که بسیار فرق دارند. در خطابه های شان این نظر شان را که پشتون ها تفاوت دارند، رها نموده اند، در بیانیه های شان، علیه اهل تشیع سخن زده نمی شود. همچنان آن ها برگزاری روز عاشورا را در صورتیکه ساده و معمولی باشد، اجازه دادند.

در سال ۱۹۹۶ از "برقرار نمودن صلح ملی" حرف می زدند، از زمان دوباره بازگشت شان در سال ۲۰۲۱ از "وحدت ملی" حرف می زنند. از طرف دیگر این مرتبه تصامیم بسیار ماهرانه در مورد، مخصوصاً با وضع نمودن مالیات گرفتند که برعکس رژیم قبلی فقط یک مرتبه انجام می دهند. بالاخره هیچ نوع اقتدار موازی به سطح ملی را نمی پذیرند، اما مصالحه یا توافق را در سطح محل قبول می کنند.

سوال: چرا این قدر سختگیری بالای زنها؟

جواب: اول طالبان بنیادگرایان هستند و برای زن ها یک موقعیت اجتماعی پائین قایل هستند، قبلاً عربستان سعودی یک موقف بسیار سختگیرانه را برای طبقه انات، از قبیل تعلیم، تجارت، میراث، قضا و عبور و مرور به صورت آزاد، تحمیل می نمود. اما طالبان یک سیستم را برای زنان روی کار آوردند که عبارت می باشد از نامرئی بودن آن ها، و این یک سیستم کاملاً بی سابقه در دنیای اسلام است. این سیاست برمیگردد به طالبان جنوب، برعکس شبکه حقانی که در شرق افغانستان و در کابل نفوذ دارد زیادتیر پیرو سیستم سعودی ها هستند. البته تشریحات روانی و روحی در موضوع موجود است. طالبان شاگردان علوم دینی اند و از سن هفت سالگی و یا ده سالگی در مدارس دینی زندگی نموده اند و هیچ زن را ندیده اند. از طرف دیگر آن ها مطیع بودن از مقررات و اصول اخلاقی برای شان تحمیل شده و پاک و عاری از همه گناه ها می باشند که دیدن زن نیز در جمله فساد اخلاقی شامل است. فشار شدید و سرکوب کننده بالای زنان افغان نشان دهنده این است که تحریک طالبان هویت شان را حفظ نموده اند و تحریک از تمام خصوصیات پاک بودن شان نگهداری می کنند. از جانب دیگر برای طالبان دادن آزادی برای زنان از ناکامی اسلام سیاسی نمایندگی می کند و دادن آزادی برای زنان مشکل وجودی و مهم بودن شان را را زیر سوال می برد.

مبارزه با فساد اداری مانند رشوه و الکهور در نزد بنیادگرایان افغان از نظر سمبولیک اهمیتش نظر به محدودیت آزادی برای زن ها کمتر است.

می توانیم موقف شان را توسط این سوال خلاصه کنیم ، که برای شان از اسلام چه باقی می ماند در مقابل سوالی که اگر برای زنان آزادی بدهند؟

این نوع استدلال بصورت کلی معقول و منطقی نیست، عین استدلال را در مورد کشت کوکنار نیز مشاهده می کنیم، ممنوعیت کشت و تولید تریاک نیز تهدابش اسلامی ست، طالبان برای زار عین هیچ نوع کشت بدیل پیشبینی نمودند که سبب شورش در بعضی ولایات گردید.

سوال: تمام رهبران طالب از حذف نمودن زنان از جامعه نظریات مختلف دارند و با هم، هم عقیده نیستند، مخصوصاً منع نمودن از تداوی زندگی زنان را به خطر مواجه می سازد، آیا فکر می شود که مبارزه سخت بالای قدرت در جریان است؟

جواب: من فکر نمی کنم، رژیم طالبان به هیچ صورت با سوال زن از بین نمی رود، باوجود اختلافات و تفاوت ها در بین مسئولین. این اختلافات بین رهبران زیادتز جنبه منطقی دارد. گروه حقانی که از جمله چهره های مهم و اساسی بشمار می روند زیادتز در خارج افغانستان در پاکستان و ممالک گلف زندگی کرده اند، آن ها فکر می کنند که تطبیق نمودن مدل عربستان سعودی سبب ثبات و پایداری رژیم خواهد گردید. برای حقانی ها زندگی نمودن در یک جامعه اسلامی با اجازه دادن رفتن دختران به مکتب بالاتر از سن دوازده با حفظ اتحاد طالبان امکان پذیر است. مرگ خلیل الرحمن حقانی وزیر پناهندگان، کاکای رهبر شبکه حقانی به تاریخ یازدهم دسامبر سال ۲۰۲۴ توسط یک حمله انتحاری که مسئولیت آن را دولت اسلامی به عهده گرفت، هیچ نوع عنصری به ما اجازه نمی دهد که ارتباط بین این حادثه و داشتن اختلافات بین رهبر مذهبی و سیاسی کشور امیر هبت الله آخندزاده وجود داشته باشد. در نزد طالبان قتل های سیاسی بسیار کم دیده می شود. من به جنگ لیدر شپ بودن اعتقاد ندارم.

سوال: اختلافات فعلی همراهی پاکستان که مدت بیست سال طالبان را در داخل خاک خود جای داد، آیا دلیل آن خارج شدن از تحت قیمومیت طالبان در مقابل پاکستان است؟

جواب: از زمان به قدرت رسیدن جنرال محمد ضیا الحق در سال ۱۹۷۷، جا به جا نمودن یک رژیم بنیادگرا در کابل جهت منافع پاکستان، مورد بررسی قرار گرفت. در هنگام جهاد علیه شوروی وی از جنگ سالاران پشتون مانند گلبدین حکمتیار قبل از طالبان حمایت نمود. پاکستان سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ توسط امریکا را به نظر خوب ندید.

در هنگام دوباره به قدرت رسیدن طالبان در سال ۲۰۲۱ پاکستان فکر کرد که به آرزوی دیرینه خود رسید و ستراتیژی منطقی بالاخره به دست آنها افتاد، مگر از طرز رفتار طالبان مأیوس شدند. طالبان ملی گرا هستند و پاکستان ناکامی دکترین خود را ملاحظه می کند.

سوال: چنین استنباط می شود که ممالک غربی بین کمک های بشردوستانه عاجل و مشروعیت ندادن به رژیم و کمک نکردن به انکشاف در مجادله هستند، و در حقیقت یک ملت را کمک می کنند. چگونه بررسی می نمائید عاقبت این کشور را؟

جواب: هر نوع تحریم، رژیم های استبدادی را تقویه می کند. ما تحریم ها علیه ایران، عراق و روسیه را مشاهده نمودیم. وقتی کمک کردن با یک کشور به دلایل سیاسی رد شود، در قدم اول جامعه مدنی ضعیف ساخته می شود. این تشخیص بین کمک بشری و انکشاف یک جر و بحث غلط است.

سوال: فلذا افغانستان محکوم است که باید برای احیای خود، وحشت یک رژیم تمامیت خواه را قبول کند. با آزادی چه می کنید؟

جواب: در سال ۲۰۰۱ هنگام سقوط رژیم اول طالبان، امید داشتم که افغانستان یک رژیم سیاسی که ساختارش بالای سیستم سیاسی زمان شاهی مطابقت داشته باشد، که مخصوصاً با تشکیلات جامعه افغان تطابق می کرد، اما این سیستم عملی نشد.

امضای قرارداد دوحه بین واشنگتن و طالبان در فیروری سال ۲۰۲۰ که براه انداختن خروج اردوی امریکا را از افغانستان در قبال داشت، امضای ترک نمودن اراده هر نوع تغییرات سیاسی و اجتماعی در این کشور بود.

باید یاد آوری نمود که افغانستان از چهل سال به این طرف در جنگ بوده و دوباره به قدرت رسیدن طالبان در سال ۲۰۲۱ به دلیل ناکامی یک رژیم فاسد که مدت بیست سال از جانب امریکا و متحدین غربی اش حمایت می شد؛ در این مدت بیست سال طولانی، در کابل یک "هوای آزادی" به نظر می خورد، اما اطراف و قریه جات و دهات در بدبختی، بیچارگی، فقر و مصیبت غرق بود.

امروز مردم صلح را تجربه میکنند، بدین جهت طالبان برای کوتاه مدت یک خبر خوب برای افغانستان هستند.